

413F

413

F

نام:

نام خانوادگی:

محل امضاء:

صبح جمعه

۹۲/۱۲/۱۶

دفترچه شماره (۲)

اگر دانشگاه اصلاح شود مملکت اصلاح می‌شود.

امام خمینی (ره)



جمهوری اسلامی ایران
وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
سازمان سنجش آموزش کشور

آزمون ورودی
دوره‌های دکتری (نیمه‌متمرکز) داخل
سال ۱۳۹۳

گروه آزمایشی زبان عربی (ویژه کد رشته ۲۸۰۲)

مدت پاسخگویی: ۹۰ دقیقه

تعداد سوال: ۶۰

عنوان مواد امتحانی، تعداد و شماره سوال‌ها

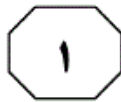
ردیف	مواد امتحانی	تعداد سوال	از شماره	تا شماره
۱	استعداد تحصیلی	۳۰	۱۰۱	۱۳۰
۲	زبان عربی - عمومی	۳۰	۱۳۱	۱۶۰

اسفندماه - سال ۱۳۹۲

این آزمون نمره منفی دارد.

استفاده از ماشین حساب مجاز نمی‌باشد.

حق چاپ، تکثیر و انتشار سؤالات به هر روش (الکترونیکی و...) پس از برگزاری آزمون، برای تمامی اشخاص حقیقی و حقوقی تنها با مجوز این سازمان مجاز می‌باشد و با متخلفین برابر مقررات رفتار می‌شود.



413 F



بخش اول

راهنمایی:

در این بخش، دو متن به طور مجزا آمده است. هر یک از متن‌ها را به دقت بخوانید و پاسخ سوال‌هایی را که در زیر آن آمده است، با توجه به آنچه می‌توان از متن استنتاج یا استنباط کرد، پیدا کنید و در پاسخنامه علامت بزنید.



به گونه‌ای که گاه در هم می‌آمیزند، به نحوی که امکان تشخیص آن‌ها مشکل‌آفرین است. دوم این‌که، این وجوه با دیگر شیوه‌های روایتگری، از جمله روایتگری جریان سیال ذهن و شگردهای آن، قرابت و گاهی تناظر تک به تک دارند. از جمله شگردهای این نوع روایتگری عبارتند از: حدیث نفس، واگویی، تک‌گویی نمایشی و انواع آن؛ تک‌گویی درونی مستقیم روشن و گنگ و نیز غیرمستقیم؛ گفتمان غیرمستقیم و به همین‌گونه نظریه‌پردازان نیز واژگان متفاوتی در وصف آن به‌کار برده‌اند. این صنعت و شگردهای آن که از نویسنده‌ای به نویسنده دیگر متفاوت است، صنعت غالب در رمان‌های دست‌کم اوایل قرن بیستم محسوب می‌شود. البته نویسندگان در استفاده از این صنعت با هم اجماع نظر ندارند و منقدین نیز در نسبت دادن این صنعت به نویسندگان مختلف، بر یک طریق نیستند. از جمله دلایل این امر، یکی همپوشانی شگردهای رنگارنگ این صنعت با یکدیگر است. از این رو، نویسندگان به میزان مختلف از این صنعت بهره می‌برند. یک اثر ادبی نیز ممکن است یک یا چند شگرد این صنعت را در خود جای دهد. صنعت موسوم به جریان سیال ذهن، از انواع گفتمان مستقیم (شامل گفتار و اندیشه) ضمیمه‌دار و آزاد استفاده می‌کند.

سطر تاکنون جریان سیال ذهن و تک‌گویی درونی را در دانشنامه‌های ادبی، کتاب‌ها و مقاله‌های بسیاری تعریف، دسته‌بندی، واکاوی و ارزیابی کرده‌اند. عمده این آثار، به‌ویژه دانشنامه‌ها و فرهنگ‌های ادبی فارسی، این دو واژه را چنان به‌کار برده‌اند که گویی یک واژه بیش نیستند و در کنار این یکسان‌انگاری واژگانی، تعاریفی مشخص و روشن نیز از این دو واژه و یا سایر واژگان مترادف ارائه نکرده‌اند. از جمله دلایل، یکی این است که این دو واژه، چنان با هم مرز مشترک و همپوشانی معنایی دارند که گاهی به دشواری می‌توان آن‌ها را از یکدیگر بازشناخت. بازشناخت این واژگان وقتی دوچندان غامض می‌شود که پای واژگان گوناگون و البته مرتبط نیز به‌میان می‌آید. نبود معادل‌های مناسب در سایر زبان‌ها، از جمله زبان فارسی و نیز عاریه‌ای بودن این واژگان و گرت‌برداری از مفاهیمی که بیان می‌کنند، ادراک آن‌ها را برای خوانندگان غیرانگلیسی دوچندان مشکل‌آفرین می‌کند. نکته دیگری که به بحث پیشین نیز مرتبط می‌شود، این است که عمده کاربران نمی‌توانند مرز دقیق میان این واژگان را شناسایی کنند. بنابراین، در اینجا چند مسأله پیچیده رخ می‌نماید. اول این‌که، وجوه زبان‌شناختی بازنمایی گفتمان روایی مرزهای مشترکی با یکدیگر دارند،

به صفحه بعد بروید.



413 F



۱۰۳- کدام یک از موارد زیر، به بهترین وجه دیدگاه نویسنده متن را راجع به این که «البته نویسندگان در استفاده از این صناعت با هم اجماع نظر ندارند...» (سطرهای ۴۱ و ۴۲)، نشان می‌دهد؟

(۱) ناامیدی و بدبینی

(۲) قبول نسبی

(۳) ناراحت و انتقادی

(۴) تردید و دودلی

۱۰۱- بر طبق متن، تمایز دقیق قابل نشدن میان دو شیوه روایتگری که موضوع متن حاضر است، به گونه‌ای که در دانشنامه های ادبی، کتاب‌ها و مقاله‌های مربوط روی داده است،
 (۱) صرفاً به دلیل فرهنگ ترجمه در کشورهای غیرانگلیسی‌زبان می‌باشد
 (۲) حاصل بی‌توجهی نویسندگان مربوطه، در ارائه تعریفی ادبی و دقیق از این شیوه‌ها می‌باشد
 (۳) امری چندان دور از انتظار و حیرت‌آور نیست
 (۴) موجب نقدهای غلط از رمان‌ها در کشورهای جهان سوم شده است

۱۰۴- نقش جمله‌ای که در متن، زیر آن خط کشیده شده، کدام است؟

(۱) ارائه مثال برای پیش بردن استدلال

(۲) طبقه‌بندی انواع یک شگرد روایتگری

(۳) تعریف یک واژه مناقشه‌برانگیز

(۴) رد فرضیه‌ای که مطرح شده

۱۰۲- بر طبق متن، کدام یک از موارد زیر، در خصوص جریان سیال ذهن و تک‌گویی درونی، صحیح نیست؟

I. این اصطلاحات نزد اهل ادب در زبان مبدأ نیز، از مرز مشخصی برخوردار نیستند.

II. منشأ و کاربرد این دو شیوه، مربوط به اوایل قرن بیستم است.

III. فقدان معادل‌های مناسب در زبان فارسی، از جمله دلایل یکسان‌انگاری این دو نوع اصطلاح، نزد اهل ادب ما است.

IV. خوانندگان انگلیسی‌زبان در تمایز میان این دو شیوه، مشکلی ندارند.

(۱) I و II

(۲) II، III و IV

(۳) I، II و IV

(۴) همه موارد

به صفحه بعد بروید.



از جنس، نه ویژگی‌های فیزیکی، بلکه مجموعه ویژگی‌ها و خصلت‌های روانی، فرهنگی و اجتماعی افراد است. در این معنا، جنسیت به دو دسته مردانه و زنانه (یا نگاه مردانه و نگاه زنانه) تقسیم می‌گردد. بنابر آن که ما کدام یک از خصلت‌های روانی، اجتماعی و فرهنگی را زنانه بدانیم، افراد (اعم از مذکر یا مؤنث) می‌توانند خصلت‌های زنانه یا مردانه داشته باشند. به عنوان نمونه، اگر مردسالاری را در شکل سنتی خود، به بالاتر بودن مردان در حوزه عمل، فعال بودن مردان و منفعل بودن زنان در عرصه‌های اجتماعی و پرهیز از احساسی‌گری در مردان و احساساتی بودن زنان تعریف کنیم، آن‌گاه محتمل است که بسیاری از نویسندگان مؤنث، نگاهی مردانه به جهان داشته باشند. همان‌گونه که ممکن است نویسنده‌ای مذکر، نگاهی زنانه به پیرامون خود داشته باشد و این نگاه را در آثارش نیز انعکاس دهد. (۵۰)

[۴] با در دست داشتن این تقسیم‌بندی، اکنون می‌توان به نکته اصلی این بخش بازگشت. اگر جنسیت را در معنای اول آن (مذکر/ مؤنث) در نظر آوریم، آن‌گاه ادبیات کودک حرفه‌ای است که در آن، غلبه با جنس مؤنث است. پیترو هانت فهرست زیر را به عنوان نشانه‌های اهمیت مقوله جنسیت در ادبیات کودک و همچنین شاهدهی بر مؤنث بودن آن ارائه می‌کند: دختران بیش از پسران مطالعه می‌کنند، دختران به گونه‌ای متفاوت از پسران مطالعه می‌کنند، الگوها و عادات خواندن به شدت وابسته به جنسیت هستند؛ اکثریت قریب به اتفاق هیأت تحریریه، ویراستاران و ناشران کودک، زن هستند؛ چه در گذشته و چه در حال حاضر تعداد نویسندگان

سطر ادبیات کودک را همچون ادبیات بزرگسالان، می‌توان از دو زاویه نگریست. در نگاه اول آنچه اصالت دارد، متن اثر است. منتقد در اینجا متن (و نه رابطه متن با عناصر غیرمتنی) را می‌کاود. تحلیل‌های ساختاری از متن و یا بررسی روابط میان متنی، به ترتیب نمونه‌هایی قدیمی و جدید از این رویکردند. در رویکرد دوم، آنچه اصالت دارد رابطه متن با عناصر غیرمتنی است. به عنوان نمونه، اگر منتقدی به بررسی رابطه شخصیت‌های داستانی در یک بازه زمانی خاص و اوضاع سیاسی و اقتصادی آن دوره بپردازد، از زاویه دوم به ادبیات نگریسته است. بدیهی است که این تقسیم‌بندی، به معنای نفی ارتباط و تعامل میان نگرش اول و دوم نیست. چه بسا که شناخت ما از روابط و نظام‌مندی‌های میان عناصر متنی، در شناخت روابط و نظام‌مندی‌های میان عناصر متنی و غیرمتنی نیز به کار آید.

(۲۰) یکی از نمونه‌های رویکرد دوم به ادبیات کودک، بررسی رابطه ادبیات کودک و مسایل جنسیتی است. [۱] بررسی مقولاتی همچون زنانگی، مردسالاری و کلیشه‌های جنسیتی در ادبیات کودک، تاریخ درازی ندارد و به نظر صاحب‌نظران نسبتاً نوظهور است، اما تازگی این حوزه به معنای بی‌اهمیتی آن نیست. [۲] ادبیات کودک ادبیاتی مؤنث است. [۳] بحث از جنسیت، گاه مراد از جنس، جنسیت فیزیکی و زیست‌شناسی افراد است. در این‌جا جنسیت به دو دسته مذکر و مؤنث تقسیم می‌شود و مبنای این تقسیم‌بندی، ویژگی‌های زیست‌شناسی است. در نقطه مقابل، گاه مراد



413 F



اکثر داستان خوانی‌ها و قصه‌گویی‌ها برای کودکان توسط زنان انجام می‌شود. این فهرست نشان می‌دهد که ادبیات کودک، به‌عنوان یک حرفه (و سایر حرفه‌های وابسته همچون قصه‌گویی، تدریس ادبیات کودک و مطالعه آن)، در سلطه جنس مؤنث است. (۷۵)

(۶۵) زنی که برای کودکان نوشته‌اند، از تعداد مردان بیشتر بوده است؛ آموزش در مدارس ابتدایی عمدتاً حرفه‌ای زنانه است؛ اکثریت قریب به اتفاق دانشجویانی که ادبیات کودک می‌خوانند مؤنث‌اند؛ اکثریت استادیاران و معلمانی که در زمینه ادبیات کودک کار می‌کنند، مؤنث‌اند (۷۰) (گرچه در سمت‌های بالاتر، غلبه با مردان است)؛

۱۰۷- نقش پاراگراف اول در ارتباط با کل متن، کدام است؟

- ۱) ارائه دیدگاهی غریب برای جلب‌نظر خواننده و ترغیب او به خواندن متن
- ۲) فراهم آوردن زمینه نظری برای بررسی موضوع اصلی متن
- ۳) مطرح کردن موضوع اصلی متن از طریق یک تقسیم‌بندی واضح و ایجاد بستری بازدارنده از هرگونه برداشت غلط از قیاس مندرج در متن
- ۴) بررسی اجمالی سیر تحول تاریخی دیدگاهی خاص در ارتباط با موضوع اصلی متن

۱۰۵- هدف اصلی نویسنده در متن فوق، کدام است؟

- ۱) نگرش به ادبیات کودک از زاویه یکی از معانی جنسیت
- ۲) مقایسه مسایل جنسیتی در ادبیات کودک و بزرگسال
- ۳) بررسی ادبیات کودک از منظر تحلیل‌های ساختاری
- ۴) ارائه نمونه‌هایی از رویکردهای متفاوت به ادبیات کودک

۱۰۸- احتمال توضیح کدام مطلب در ادامه متن، بیشتر از بقیه موارد است؟

- ۱) بررسی ادبیات کودک با توجه به معنای دوم جنسیت
- ۲) ویژگی‌های کار حرفه‌ای در حوزه ادبیات کودک
- ۳) یک تقسیم‌بندی متداول دیگر در حوزه جنسیت در ادبیات کودک
- ۴) بررسی تفاوت‌های ادبیات کودک با گرایشی زنانه و ادبیات کودک با گرایش مردانه آن

۱۰۶- جمله زیر، در کدام یک از بخش‌های متن که با شماره‌های [۱]، [۲]، [۳] و [۴] مشخص شده‌اند، می‌تواند قرار گیرد؟

«پیش از توضیح این حکم و آوردن برخی شواهد در تأیید آن، ذکر یک تقسیم‌بندی متداول در حوزه پژوهش‌های جنسیتی لازم است.»

- ۱) [۲]
- ۲) [۱]
- ۳) [۴]
- ۴) [۳]



413 F



بخش دوم

راهنمایی:

برای پاسخگویی به سوال‌های این بخش، لازم است موقعیتی را که در هر سوال مطرح شده، مورد تجزیه و تحلیل قرار دهید و سپس گزینه‌ای را که فکر می‌کنید پاسخ مناسب‌تری برای آن سوال است، انتخاب کنید. هر سوال را با دقت بخوانید و با توجه به واقعیت‌های مطرح شده در هر سوال و نتایج که بیان شده و بیان نشده ولی قابل استنتاج است، پاسخی را که صحیح‌تر به نظر می‌رسد، انتخاب و در پاسخنامه علامت بزنید.



۱۱۰- کدام مورد، به طور منطقی، استدلال زیر را کامل می‌کند؟

«به مردم فقیر یکی از جزایر استوایی که گمان می‌شد از سوء تغذیه رنج می‌برند، نوعی شیرخشک به عنوان کمک غذایی اهدا شد. متعاقب این اقدام، سرطان کبد در بین این افراد، ناگهان افزایش یافت. احتمالاً دلیل این اتفاق، شیرخشک اهدایی بوده است؛ چرا که تحقیقاتی که به تازگی بر روی موش‌های آزمایشگاهی انجام شده، نشان می‌دهد موش‌هایی که در معرض مقدار مختصری ماده سمی آفلاتوکسین قرار می‌گیرند و به آن‌ها کازئین (نوعی پروتئین موجود در شیر) خورانده می‌شود، مبتلا به سرطان کبد می‌شوند. این نتیجه‌گیری، بی‌ربط نیست چون که

(۱) در مناطق استوایی، بادام زمینی که قوت غالب مردم جزیره مذکور است، باعث رشد نوعی کپک می‌شود که تولیدکننده ماده آفلاتوکسین است.

(۲) کازئین، تنها پروتئین موجود در شیر نیست.

(۳) کبد در مقایسه با دیگر غدد بدن، نسبت به مواد سرطان‌زا حساس‌تر است.

(۴) شیرخشک، بهترین شکل شیر برای ارسال به مناطق استوایی است.

۱۰۹- عجیب است که در شهر «الف»، مغازه‌های کوچک زیادی وجود دارند که مواد غذایی می‌فروشند؛ در حالی که در این شهر، تعداد زیادی سوپرمارکت هم وجود دارد که مواد غذایی را با قیمتی پایین‌تر می‌فروشند و اکثر آن‌ها ۲۴ ساعته باز هستند. تمام موارد زیر، در صورتی که صحیح فرض شوند، تناقض ذکر شده در بالا را به خوبی توجیه می‌کنند، بجز:

(۱) سوپرمارکت‌های مذکور، اکثراً در حومه شهر واقع شده‌اند و شهروندان برای دسترسی به آن‌ها بایستی از وسایل حمل و نقل عمومی یا اتومبیل شخصی خود استفاده کنند.

(۲) مغازه‌های کوچک، عمدتاً توسط خانواده‌ها مدیریت می‌شوند و نسبت به سوپرمارکت‌ها قدمت بیشتری دارند و لذا به عنوان یکی از نمادهای مهم شهر به حساب می‌آیند و با استقبال مردم همراه هستند.

(۳) مغازه‌های کوچک، خدمات تحویل در درب منزل نیز ارائه می‌دهند.

(۴) مغازه‌های کوچک، مواد غذایی خاصی را ارائه می‌دهند که در سوپرمارکت‌ها موجود نمی‌باشد.



413 F



۱۱۲- در «حقیقت محض»، کتاب زندگینامه سقراط، گفته شده است که سقراط هم باخرد بود و هم بسیار فقیر. یقیناً این اشتباه است؛ چرا که مردی که دارای چنین خردی بوده، مطمئناً راهی برای دوری از فقر پیدا کرده است. کدام مورد، نشان دهنده بارزترین نقص استدلال فوق می‌باشد؟

(۱) هر کسی که دارای عقل و خرد می‌باشد، معمولاً دوست دارد که یک فیلسوف شود.
(۲) بسیاری از افرادی که باخردند، آن قدر درگیر مسایل مربوط به خرد و عقل هستند که فرصت پیدا نمی‌کنند به شرایط اقتصادی خود رسیدگی کنند.

(۳) اگرچه سقراط ثروتمند نبود ولی دوستانی ثروتمند داشت که به او رسیدگی می‌کردند.

(۴) برداشت انسان از فقر، با گذشت زمان تغییر نمی‌کند و چیزی که امروزه فقر نامیده می‌شود، در زمان سقراط نیز فقر به‌شمار می‌رفته است.

۱۱۱- مریم و برادرش امیر با هم بر سر سال تولد پدرشان اختلاف نظر دارند. مریم می‌گوید پدرشان در سال ۱۳۲۰ به دنیا آمده است ولی امیر معتقد است که او متولد سال ۱۳۱۸ می‌باشد. بیمارستانی که پدر آنها در آنجا متولد شده است، مستندات سال ۱۳۱۸ را ندارد اما اطلاعات کامل سال ۱۳۲۰ را دارد ولی در این اسناد، اطلاعاتی مربوط به تولد پدر مریم و امیر وجود ندارد. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که پدر آنها در سال ۱۳۱۸ متولد شده است.

استدلال فوق، بر کدام یک از مفروضه‌های زیر، استوار است؟

(۱) هیچ کدام از بستگان امیر و مریم نمی‌دانند که پدر آنها در چه سالی متولد شده است.

(۲) مریم و امیر، روز و ماه تولد پدر خود را می‌دانند.

(۳) مستندات بیمارستانی در خصوص تولد پدر امیر و مریم، متعلق به سال ۱۳۱۸ می‌باشد.

(۴) یکی از ادعاها — یا ادعای مریم، یا ادعای امیر — درست است.

به صفحه بعد بروید.



413 F



۱۱۴- تعداد قابل توجهی از کارآمدترین کارکنان شرکت «الف»، برخلاف دیگر کارکنان شرکت، ۸ ساعت در روز و ۵ روز در هفته کار نمی‌کنند بلکه ۱۰ ساعت در روز و ۴ روز در هفته کار می‌کنند و روزهای چهارشنبه هم تعطیل هستند. با توجه به این مسأله، مدیریت این شرکت تصمیم دارد با تعطیل کردن چهارشنبه‌ها و تغییر برنامه کاری کلیه کارکنان به ۱۰ ساعت در روز و ۴ روز در هفته، بهره‌وری کل شرکت را بالا ببرد.

کدام یک از موارد زیر، در صورتی که صحیح فرض شود، درستی تصمیم مدیر شرکت را زیر سوال می‌برد؟

(۱) کارکنانی که ۴ روز در هفته کار می‌کنند، کارهای خود را برای انجام در روز چهارشنبه به خانه نمی‌برند.

(۲) هیچ کدام از کارکنانی که ۴ روز در هفته کار می‌کنند، داوطلبانه این برنامه کاری را قبول نکردند، بلکه همه به واسطه اجرای این طرح توسط مسئول خود، از چنین طرحی پیروی کردند.

(۳) ۱۰ ساعت کار در روز، این امکان را برای کارآمدترین کارکنان فراهم کرده است که ۲ ساعت از روز، بعد از مرخص شدن بقیه کارکنان، تنها و بدون مزاحمت همکاران خود کار کنند.

(۴) به طور کلی، ساعاتی که کارکنان کمترین بهره‌وری را در شرکت فوق دارند، ساعات اولیه بعد از ظهر است.

۱۱۳- بسیاری از دانشمندان معتقدند که تحقیقات جدید بین رشته‌ای، از نیازهای زمان حاضر است. حتی کمیته‌های دولتی مرتبط با علوم، تأکید بیشتری بر نیاز به پروژه‌های بین رشته‌ای کرده‌اند. اما جالب است که از ده پروژه پیشنهادی برای تحقیقات بین رشته‌ای در سال گذشته، فقط یکی توانست بودجه لازم را دریافت کند. برخی عنوان می‌کنند که این اتفاق بدین معنی است که هنوز محققین پروژه‌های قانع کننده‌ای معرفی نکرده‌اند یا این که پروژه‌های پیشنهادی آن‌ها حایز کیفیت بالا نمی‌باشد و یا حتی این که شهرت این محققین آنچنان بالا نیست. با این وجود، دلیل اصلی مربوط به نحوه اختصاص بودجه است. هنوز اختصاص بودجه بر مبنای طبقه‌بندی قدیمی پروژه‌ها است و بودجه خاصی برای تحقیقاتی که در چند رشته همپوشانی دارد، اختصاص داده نشده است.

کدام یک از موارد زیر، توصیف مناسبی برای ارتباط دو قسمت مشخص شده در متن می‌باشد؟
(۱) قسمت اول، وضعیتی است که به اعتقاد نویسنده دارای تناقض است و قسمت دوم، فرضی است که نویسنده به کار می‌برد تا تناقض ذکر شده را پررنگ‌تر کند.

(۲) قسمت اول، نظر اولیه نویسنده است و قسمت دوم، شکل تجدیدنظرشده همان نظر است.

(۳) قسمت اول، واقعیتی است که نویسنده سعی در توضیح آن دارد و قسمت دوم، اطلاعاتی است که به صراحت، دلیل حصول آن واقعیت را توضیح می‌دهد.

(۴) قسمت اول، یافته‌ای است که نویسنده تلاش می‌کند شرح دهد و قسمت دوم، یافته‌ای است که با نتیجه‌گیری اصلی نویسنده تضاد دارد.

به صفحه بعد بروید.



413 F



۱۱۵- هر زمان که رمانی فرانسوی به انگلیسی ترجمه می‌شود، چاپی که در بریتانیا فروخته می‌شود، باید به زبان انگلیسی بریتانیایی باشد. در صورتی که ترجمه انگلیسی آمریکایی آن در بریتانیا فروخته شود، اصطلاحات و املاي کلمات برای خوانندگان بریتانیایی، رنگ و بویی آمریکایی به رمان می‌دهد و در نتیجه ترجمه رمان با اصل آن، در خصوص زمان و مکان وقوع داستان، تضاد پیدا می‌کند. استدلال فوق، بر کدام یک از فرضیه‌های زیر، استوار است؟

(۱) یک خواننده غیربریتانیایی، قطعاً معنی برخی کلمات و اصطلاحات رمانی که به انگلیسی بریتانیایی نوشته شده است را نخواهد فهمید.

(۲) اکثر رمان‌های فرانسوی، یا به انگلیسی آمریکایی و یا به انگلیسی بریتانیایی ترجمه و چاپ می‌شوند.

(۳) یک خواننده بریتانیایی یک رمان ترجمه شده به زبان انگلیسی، متوجه کلمات و اصطلاحات بریتانیایی به کار رفته در ترجمه می‌شود.

(۴) از بین رمان‌های فرانسوی که قرار است در بریتانیا به زبان انگلیسی بریتانیایی فروخته شود، محل وقوع هیچ کدام در آمریکا نمی‌باشد.



413 F



بخش سوم

راهنمایی:

در این بخش، توانایی تحلیلی شما مورد سنجش قرار می‌گیرد. سوال‌ها را به‌دقت بخوانید و پاسخ صحیح را در پاسخنامه علامت بزنید.



راهنمایی: با توجه به اطلاعات زیر، به سوال‌های ۱۱۶ تا ۱۱۹ پاسخ دهید.

۱۱۷- اگر چشم‌انداز واحد D به جنگل و چشم‌انداز واحد E به دریا باشد، کدام‌یک از موارد زیر، لزوماً صحیح است؟

- (۱) C به دریا چشم‌انداز دارد.
- (۲) A به دریا چشم‌انداز دارد.
- (۳) E به جنگل چشم‌انداز دارد.
- (۴) B به دریا چشم‌انداز دارد.

۱۱۸- اگر واحدهای E و A هم‌طبقه باشند، کدام‌یک از واحدهای زیر، لزوماً به جنگل چشم‌انداز دارد؟

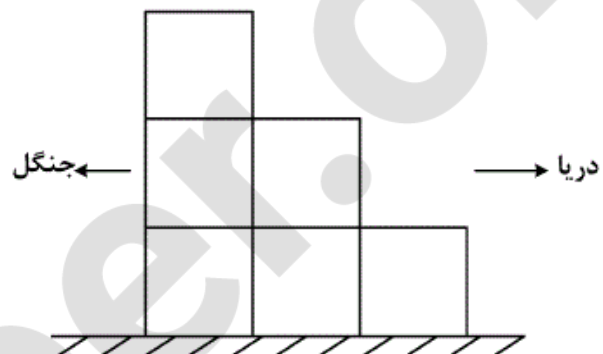
- (۱) D
- (۲) B
- (۳) C
- (۴) هیچ‌کدام

۱۱۹- اگر واحدهای A و F هم‌طبقه باشند و یکی از آن‌ها، به دریا و دیگری به جنگل چشم‌انداز داشته باشد، کدام‌یک از واحدهای زیر، لزوماً به جنگل چشم‌انداز دارند؟

- I. واحد B
- II. واحد C
- III. واحد F
- (۱) I و III
- (۲) I و II
- (۳) II و III
- (۴) II و III

شکل زیر، نمای جانبی یک ساختمان سه طبقه که دارای شش واحد آپارتمان به نام‌های A، B، C، D، E و F است را نشان می‌دهد. این ساختمان از شمال به دریا و از جنوب به جنگل مشرف است. اطلاعات زیر، در خصوص آپارتمان‌ها، موجود است:

- واحد B، دقیقاً روی واحد F واقع شده‌است.
- واحد D، دقیقاً زیر واحدی قرار دارد که آن واحد، به دریا چشم‌انداز دارد.
- واحدهای A و C، در یک طبقه قرار ندارند.
- از واحدهای E و F، یا فقط یکی از آن‌ها به جنگل چشم‌انداز دارد یا هیچ‌کدام.



۱۱۶- اگر واحدهای C و D هم‌طبقه باشند، کدام واحدها، به‌طور قطع به دریا چشم‌انداز خواهند داشت؟

- (۱) A و C
- (۲) A و E
- (۳) B و C
- (۴) C و E

به صفحه بعد بروید.



413 F



راهنمایی: با توجه به اطلاعات زیر، به سوال های ۱۲۰ تا ۱۲۳ پاسخ دهید.

در یک مسابقه ورزشی، دو تیم X و Y، هر کدام سه کشتی گیر را در سه رده سنی نوجوانان، جوانان و بزرگسالان (در هر رده یک کشتی گیر) اعزام می کنند. اسامی ۶ کشتی گیر اعزامی A، B، C، D، E و F می باشد. محدودیت های زیر، در خصوص کشتی گیران و تیم ها برقرار است:

- E و F نه در تیم Y عضویت دارند و نه در رده بزرگسالان.
- B و C، هم تیمی هستند.
- B از C مسن تر است و در رده بالاتری نسبت به او، عضویت دارد.
- A و D در یک رده سنی کشتی نمی گیرند.

۱۲۰- اگر C در رده سنی نوجوانان کشتی بگیرد، کدام یک از موارد زیر، صحیح نیست؟

(۱) B لزوماً در گروه بزرگسالان کشتی می گیرد.
 (۲) B می تواند با F هم رده باشد.
 (۳) E لزوماً عضو تیم X است.
 (۴) D می تواند با F هم رده باشد.

۱۲۳- اگر D و F هم تیمی باشند، کدام یک از موارد زیر، در خصوص C، لزوماً صحیح می باشد؟

(۱) در رده سنی پایین تر از D کشتی می گیرد.
 (۲) در رده سنی جوانان تیم X کشتی می گیرد.
 (۳) با E هم رده است.
 (۴) عضو تیم X است.

۱۲۱- اگر A و E در یک رده کشتی بگیرند، کدام یک از افراد زیر، قطعاً در رده بزرگسالان تیم X کشتی می گیرد؟

- (۱) C
 (۲) D
 (۳) F
 (۴) B



413 F



بخش چهارم

راهنمایی:

- این بخش از آزمون استعداد، از انواع مختلف سوال‌های کمی، شامل مقایسه‌های کمی، استعداد عددی و ریاضیاتی، حل مسأله و... تشکیل شده است.
- توجه داشته باشید به خاطر متفاوت بودن نوع سوال‌های این بخش از آزمون، هر سوال را بر اساس دستورالعمل ویژه‌ای که در ابتدای هر دسته سوال آمده است، پاسخ دهید.

راهنمایی: هر کدام از سوال‌های ۱۲۴ تا ۱۲۷ را به‌دقت بخوانید و جواب هر سوال را در پاسخنامه علامت بزنید.

۱۲۶- دو جعبه A و B در اختیار داریم. تعداد میوه‌های

درون جعبه A، $\frac{1}{3}$ تعداد میوه‌های جعبه B

می‌باشد. اگر از هر جعبه ۵ میوه برداریم، تعداد

میوه‌های جعبه A، $\frac{1}{4}$ تعداد میوه‌های جعبه B

خواهد شد. چه تعداد میوه به هر دو جعبه اضافه

کنیم تا تعداد میوه‌های جعبه B، دو برابر تعداد

میوه‌های جعبه A شود؟

۱۵ (۱)

۱۰ (۲)

۲۰ (۳)

۵ (۴)

۱۲۴- بین اعداد زیر، از چپ به راست، ارتباط خاصی برقرار است. به‌جای علامت سوال، عدد مناسب را قرار دهید.

۶۲ ? ۳۸ ۲۸ ۲۳ ۱۶

۴۳ (۱)

۴۷ (۲)

۵۱ (۳)

۴۹ (۴)

۱۲۵- شخصی برای خرید ۲ کیلو سیب و ۵ کیلو

پرتقال، ۲۴۰۰۰ تومان می‌پردازد. اگر وی

اشتباهاً ۵ کیلو سیب و ۲ کیلو پرتقال

خریداری کند، هزینه او ۶۰۰۰ تومان کاهش

می‌یابد. قیمت هر کیلو پرتقال چند هزار تومان

است؟

۱/۵ (۱)

۴ (۲)

۲ (۳)

۳ (۴)

به صفحه بعد بروید.



413 F



۱۲۷- دانش آموزی در محاسبه میانگین سه عدد دورقمی، اشتباهاً ارقام یکی از اعداد را جابه‌جا می‌نویسد. میانگین به دست آمده، حداکثر چقدر با میانگین اصلی اختلاف خواهد داشت؟

(۱) ۲۴

(۲) ۴۸

(۳) ۲۷

(۴) ۳۶

راهنمایی: سوال ۱۲۸، شامل دو مقدار یا کمیت است، یکی در ستون «الف» و دیگری در ستون «ب». مقادیر دو ستون را با یکدیگر مقایسه کنید و با توجه به دستورالعمل، پاسخ صحیح را به شرح زیر تعیین کنید:

- اگر مقدار ستون «الف» بزرگ‌تر است، در پاسخنامه گزینه ۱ را علامت بزنید.
- اگر مقدار ستون «ب» بزرگ‌تر است، در پاسخنامه گزینه ۲ را علامت بزنید.
- اگر مقادیر دو ستون «الف» و «ب» با هم برابر هستند، در پاسخنامه گزینه ۳ را علامت بزنید.
- اگر بر اساس اطلاعات داده شده در سوال، نتوان رابطه‌ای را بین مقادیر دو ستون «الف» و «ب» تعیین نمود، در پاسخنامه گزینه ۴ را علامت بزنید.

۱۲۸- خانه‌های جدول زیر، قرار است توسط اعداد ۱ تا ۳ طوری پر شوند که در هیچ سطر و ستونی، یک عدد تکرار نشود.

۱	z	
	۳	y
x		

ب
xyz

الف
x + y + z

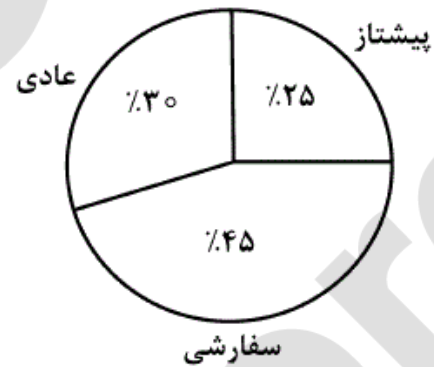
به صفحه بعد بروید.



راهنمایی: متن زیر را به دقت بخوانید و بر اساس اطلاعات موجود در جدول و نمودار داده شده، به سوال‌های ۱۲۹ و ۱۳۰ پاسخ دهید.

- تعداد محمولات پستی سه منطقه، به تفکیک نوع محموله در یک دوره زمانی مشخص، طبق جدول زیر می‌باشد. اطلاعات مربوط به دو مورد در جدول، در دست نیست. همچنین نمودار دایره‌ای زیر، نشان می‌دهد که درصد هر کدام از انواع محموله‌ها نسبت به کل محموله‌ها چند درصد است.

عادی	سفارشی	پیشتاز	
۳۷۰	۶۳۰	۴۲۰	منطقه ۱
۵۰۵		۵۰۵	منطقه ۲
	۲۸۰	۱۰۵	منطقه ۳



۱۳۰- تقریباً چند درصد از محموله‌های منطقه ۲، از نوع سفارشی بوده است؟

- (۱) ۴۸٫۳
(۲) ۴۴٫۶
(۳) ۴۶٫۶
(۴) ۵۲٫۲

۱۲۹- کل محموله‌های پستی منطقه ۳، چند محموله است؟

- (۱) ۷۶۴
(۲) ۹۷۹
(۳) ۸۶۴
(۴) ۷۴۶

راهنمای:

این بخش، مربوط به سوالات آزمون زبان عربی - عمومی است.

■ ■ عین الخطأ في الإعراب و التحليل الصرفي (١٣١ - ١٣٣)

١٣١- ﴿و لولا دفع الله الناس بعضهم ببعض لفسدت الأرض﴾:

(١) لولا: حرف امتناع لامتناع، و من الأحرف الجارة قد دخلت على مبتدأ مجرور في اللفظ و مرفوع في المحل، و الخبر محذوف وجوباً

(٢) دفع الله: مضاف و مضاف إليه، والمضاف مبتدأ مرفوع لخبر محذوف وجوباً، و المضاف إليه في محل رفع على الفاعلية
(٣) بعضهم ببعض: الأولى: بدل بعض من كلّ و منصوب بالتبعية للمبدل منه و هو مفعول به، و البعض الثانية: مضاف لمضاف إليه محذوف و التثوين عوض عنه

(٤) فسدت: جواب الشرط ولا محلّ له من الإعراب، واقتزان اللامّ به واجب لكونه مثبتاً، و فاعله «الأرض» فالجملة فعلية

١٣٢- «أي بني؛ من نظر في عيوب الناس و رضي لنفسه بها، فذاك الأحمق بعينه!»:

(١) بني: اسم مصغر، و إمّا منادى نكرة مقصودة مبني ببناء عرضي، أو منادى مضاف إلى ضمير الياء للمتكلّم و منصوب بعلامة مقترنة

(٢) نظر: فعل شرط و مجزوم محلاً، و أداة الشرط «من» المختصة بذوي العقول، و جواب الشرط الجملة الاسمية «ذاك...» و المقترنة بفاء الجواب وجوباً

(٣) ذاك: إشارة يمكن اعتبارها للمتوسّط، و «الأحمق» مشار إليه و مرفوع بالتبعية لاسم الإشارة على أنه نعت

(٤) عين: مؤكّد معنوي للنسبة و مجرور في اللفظ بالباء الزائدة و في محلّ رفع بالتبعية لمؤكّده «الأحمق»، و مضاف إلى ضمير المؤكّد

١٣٣- «قال صحابي: قد غبنت، و خلتني غبنت، فما أدري أشكلكم شكلي!»:

(١) صحاب: جمع تكسير (مفرد: صاحب، مذكّر) - مشنق و اسم فاعل (مصدره: صحبة) - معرف بالإضافة
معرب - صحيح الآخر - منصرف / فاعل و مرفوع بضمّة مقترنة

(٢) خلت: ماضٍ - مجرد ثلاثي - معتل و أجوف (إعلاله بالحذف) - متعدّد - مبني للمعلوم / فعل من أفعال القلوب و هي من النواسخ، و مفعوله الأوّل ضمير الياء بمرجع واحد مع فاعله

(٣) غبنت: ماضٍ - للمتكلم وحده - متعدّد - مبني للمجهول / فعل و نائب فاعله ضمير التاء البارز و الجملة فعلية و حال و منصوب محلاً، و صاحب الحال ضمير الياء في «خلتني»

(٤) أدري: مضارع - مجرد ثلاثي - معتل و ناقص (إعلاله بالإسكان بحذف الحركة) - معرب / فعل مرفوع بضمّة مقترنة، و فاعله الضمير المستتر فيه وجوباً تقديره «أنا» و الجملة فعلية



■ ■ عَيْنُ الْمُنَاسِبِ لِلْجَوَابِ عَنِ الْأَسْئَلَةِ التَّالِيَةِ (١٣٤ - ١٣٨)

١٣٤- «..... أن تعتبرَ الكاذبَ رابحاً!». عَيْنُ الْخَطَأِ لِلْفَرَاغِ:

(١) إِيَّاكُمْ (٢) إِيَّاكَ (٣) إِيَّاكَ (٤) إِيَّاكَ

١٣٥- عَيْنُ الْخَطَأِ:

(١) لا كاتباً مقالةً بيننا!

(٢) لا ساعي في الخير يندم!

(٣) لا كاتبةً كتاباً تندم!

(٤) لا نجمةً في سماء مدينتنا!

١٣٦- عَيْنُ الْخَطَأِ فِي الْمَفْعُولِ لِأَجْلِهِ:

(١) كتبت هذه المقالة أمراً من أستاذي!

(٢) حضرت الحفل شوقاً لزيارة الحضور!

(٣) أنفقت أموالاً ابتغاء مرضاة الله!

(٤) طالعت هذا الكتاب إطاعةً لأمر أستاذي!

١٣٧- «ينجح في الحياة ولاسيما و لم يضيّع حياته عدا.....!». عَيْنُ الْخَطَأِ لِلْفَرَاغِ:

(١) الصّادقةُ في فعلها / المتعبّدُ بغير علم

(٢) العالماتُ العاملاتُ بعلمهنّ / الذي لم يعمل بعلمه

(٣) هذين الخيّرين / هاتين المتكاسلتين

(٤) المؤمنون الصادقون / هذه المؤمنة الصادقة

١٣٨- عَيْنُ التَّابِعِ لَايُمْكِنُ أَنْ يَكُونَ بَدَلًا:

(١) المعلم دخل هذا تلميذه الصف!

(٢) إنّ الشاعر الملتزم دعبل صاحب هذه القصيدة!

(٣) أعتته الصّريع فدعا لي بالخير!

(٤) يا أيّها الإنسان؛ ما أضعفك عند ملمات الذّهر!

■ ■ عَيْنُ الْمُنَاسِبِ لِلْجَوَابِ عَنِ الْأَسْئَلَةِ التَّالِيَةِ (١٣٩ - ١٥٠)

١٣٩- عَيْنُ الْخَطَأِ فِي الْمَعْنَى:

(١) ظاهر العاصمة ← خارجها

(٢) تزجية الأوقات ← تطييبها

(٣) المغتال ← المقتول على غرة

(٤) دهمته العتمة ← غشيته الظلمة

١٤٠- عَيْنُ الْخَطَأِ فِي الْمَعْنَى:

(١) أسير الهوينا ← أمشي بانتاد!

(٢) أقتصد في الكلام ← أخفف في كلامي!

(٣) وجهه مفتر ← ظاهره متبسم!

(٤) ابتعد عن الحزازات ← اجتنب التكاسلات

١٤١- عَيْنُ الْخَطَأِ فِي التَّنَادُ:

(١) الأفراح ← الأتراح

(٢) الطامح ← الجامح

(٣) المغتبطة ← المغتمة (٤) الانثناء ← العزم

١٤٢- عَيْنُ الْخَطَأِ فِي التَّنَادُ:

(١) الأسير ← الطليق

(٢) الخبّ ← الخذاع

(٣) الهجاء ← الإطراء (٤) الترافع ← التّصالح

■ عَيْنُ الصَّحِيحِ لِلْفَرَاغَاتِ (١٤٣ - ١٤٦)

١٤٣- «هذا بالإضافة إلى قلة التموليات و الضعف الشديد لـ..... الأساسية التي يتطلبها الإنتاج الحديث»:

(١) المتاحة / الركائز

(٢) المبرمجة / الأحجار

(٣) المركزة / التدرّيبات

(٤) الخطّة الخمسية / الجهازات

١٤٤- «نفايات على الأرصفة و طرقات مليئة بالحفر التي تتحول إلى و حول في الشتاء، مشاهد من الحياة اليومية في هذا البلد الإفريقي!»:

(١) تُجمع / آبار (٢) تملأ / نقاط (٣) تتكدس / بؤر (٤) تُلقى / ثقوب

١٤٥- «إن سياسة على الكلمات أثار قلق الذين أرادوا النوايا!»:

(١) الرمز / المهتمين / تأويل (٢) الجزر و العصا / الناس / يهتمون بـ

(٣) المراوغة / المخططين / ترسيم (٤) اللَّفّ و الدوران / المعنيين بالأمر / سير

١٤٦- «لا مجال ترسيخ معاني الديمقراطية دون تحقيق السلام الأهلي و يتحقق هذا إذا ظللنا أعداء، ولكنه ينجّر إلينا قطعاً إذا انكبنا بلورة مشروع حضاري نبنيه الجوامع المشتركة!»:

(١) ل / لن / على / على (٢) في / لم / في / على (٣) من / لا / ل / ل (٤) ل / ما / ل / على

■ عيّن المناسب للجواب عن الأسئلة التالية (١٤٧ - ١٥٠)

١٤٧- عيّن الصّحيح في صياغة الجملة مع كلمة «التفتت»:

(١) تحاول البلدان الصناعية تفتت النظام الدولي السائد حالياً!

(٢) قد يفرض كل رؤية مستقبلية في بداية أمرها ما فيها من تفتت الحسنات!

(٣) السبب لبروز تفتت المشكلات هو أنّ الطّاقات لم تعد قادرة على إيصال قدراتها!

(٤) صلة التفتت و ما فيها من العلاقة بين اللفظ و المعنى تجبرنا على أن نعتبرها في حسابنا عند التخطيط!

١٤٨- «إنّ الجواد عينه فراره!». يستفاد من هذا الاصطلاح لـ

(١) إظهار أنّ طبع الكريم يهرب من الإنفاق في العن!

(٢) بيان أنّ السخيّ بمجرد مدّ يد العون إليه يبادر بالمساعدة!

(٣) توصيف من يكون الغالب عليه فعل الجميل إلا ما شدّ و ندر!

(٤) بيان أنّ ظاهر الشخص يدلّ على باطنه فيستغنى عن اختباره!

١٤٩- يقال لمن يظفر بالشيء النفيس:

(١) إنّ الحديد بالحديد يفلح!

(٣) أغرّ من ظبي مقمر!

(٢) أصاب ثمرة الغراب!

(٤) يحمي جوابيه نقيق الضّقدع!

١٥٠- حين نواجه من يحبّ أن يحمّد من غير إحسان نقول:

(١) يأكل التمر و أرجم بالنوى!

(٢) أكلّ و حمد خير من أكل و صمت!

(٣) يأكل بالضرّس الذي لم يخلق!

(٤) غيري يأكل النّجاج و أنا أقع في السّياج!



■ ■ إقرأ النصين التاليين (ألف - ب) بدقة، ثم أجب عن الأسئلة على حسب النص (١٥١ - ١٦٠)

■ ألف (١٥٥ - ١٥١)

إنّ العالم كلّهُ يعاني الآن نقصاً في مختلف الأغذية التي تعتبر عادة أساسية، ولكنّ الوضع الغذائي في الدول النامية يعتبر بشكل خاصّ مضطرباً وقلقاً لعدم توفّر الحدّ الأدنى من المتطلّبات الغذائية؛ وهذه الظاهرة السلبية تثبت وجودها في المجتمع بأشكال مختلفة. فمن مصلحة الشعوب العمل من أجل تغيير العلاقات الاقتصادية الدولية، و ذلك لتخفيض أسعار الغذاء أو على الأقلّ تأمين استقرارها، و بالمقابل رفع أسعار المنتجات الزراعيّة لعبور الفجوة بين أسعار الموادّ الأولية و السلع الصناعيّة!

في هذه البلدان النامية نشاهد أنّ تمويل استيراد القمح و دقيقه فقط يستنفد وحده حوالي نصف من حصيلة تصديرات البلاد السلعيّة. و في هذا المجال قدّمت عدّة بدائل مقترحة لمواجهة الفجوة القمحيّة، منها مضاعفة المساحة المزروعة قمحاً؛ ولكن تتجاهل هذه الطريقة تماماً الاعتبارات الاقتصادية القائمة على حساب التكلفة والعائد؛ والبديل الثّاني هو تصدير الخضر والفواكه وما لاحتاج إلى مساحات كبيرة إضافيّة!

١٥١- ما المقصود من «تأمين استقرارها» في جملة: «... و ذلك لتخفيض أسعار الغذاء أو على الأقلّ تأمين استقرارها...»:

- ١) المحاولة لتثبيت سعر الغذاء والاجتناب من ارتفاعه!
- ٢) تثبيت سبل الوصول إليه عن طريق إزالة العوائق و المشكلات!
- ٣) بذل الجهود للحصول على الغذاء والاطمئنان بوجوده في كلّ وقت!
- ٤) إبعاد الخطرات في سبيل إنتاج المحاصيل الغذائيّة و رفع أسعارها!

١٥٢- عيّن الصحيح:

- ١) هناك مجتمعات في العالم لا تشعر بنقص في الغذاء و سبل الوصول إليه!
- ٢) تغيير العلاقات الاقتصادية الدوليّة تحدث فجوة بين البلدان النامية و الغنيّة!
- ٣) هناك اختلاف بين أسعار الموادّ الأولية المصدّرة و المحاصيل الصناعيّة المستوردة!
- ٤) ما شغل بال المعنّيين بإدارة المجتمعات هو خصخصة سبل إنتاج المحاصيل الغذائيّة!

١٥٣- عيّن الخطأ:

- ١) من مشكلات البلدان النامية في العالم ارتفاع سعر السلع الصناعيّة!
- ٢) عدم توفّر الحاجيات الغذائيّة لا يظهر وجوده إلّا بشكل الأمراض الجسميّة!
- ٣) من الممكن للشعوب ألاّ تهتّى لنفسها كثيراً من الحاجيات، ولكن لا حيلة من الغذاء!
- ٤) العلاقات الاقتصادية الدوليّة لا تخفّض عن قلق المجتمعات شيئاً تجاه توفير حوائجهم الاقتصاديّة!



١٥٤- لماذا كلفة استيراد القمح تساوي نصف عوائد تصديرات السلع؟: لأن

- ١) الحاجة إلى القمح شديدة و كذلك لأن سعر البضاعات المصدرة واطئ جداً !
 - ٢) القمح بحاجة إلى الأراضي الزراعية الواسعة و هذا الأمر يحتاج إلى كلفة كثيرة!
 - ٣) البلد يستورده كثيراً ولكن لا يحاول أن يصدر السلع بمقدار استيراده من البلدان الأخرى!
 - ٤) البلدان المصدرة للقمح يبيعونه غالباً، لكنهم حين يشترون شيئاً من نفس هذه البلدان يدفعون ثمناً رخيصاً!
- ١٥٥- عيّن الصّحيح: على البلدان النامية

- ١) القيام باستيراد السلع الكماليّة مقابل تصدير السلع الأساسيّة!
 - ٢) أن تمول استيراد الموادّ الغذائيّة و تخفّض تصديرات البلاد السلعية!
 - ٣) أن تضاعف المساحات المزروعة للقمح و تتجاهل تكلفتها و عوائدها!
 - ٤) المحاولة لرفع السلع المصدرة و اتّخاذ سياسات تناسب إمكانيّات البلد و عوائدها!
- ب (١٥٦ - ١٦٠) ■

الدراسات التي أجريت في مجال تأثيرات الحرب النوويّة للتنبؤ بما سيحدث للأرض بعد هذه الحادثة قد قادت إلى استنتاج معيّن و هو تدمير النّظام البيئي و الحيوي للأرض إثر هذا الحادث. و قد برز نتيجة ذلك مصطلح يدلّ على تأثيرات مثل هذه الحرب أطلق عليه «الخريف النووي»! الدراسات الجديدة تقترح حصول هبوط في درجات الحرارة قد يبلغ ١٠ درجات مئوية مع استمراره لعدّة أسابيع أو أشهر بعد الحرب النوويّة، و قد اعتمد مثل هذا القياس على دراسة أشكال الرياح و قابلية البحر و المحيط على اكتساب الحرارة و عوامل أخرى ذات علاقة! و بسبب هبوط درجات الحرارة ستتأثر أشكال الحياة على الأرض و بالأخصّ النباتات التي تعتبر أكثر أشكال الحياة حسّاسية لتغيّرات الحرارة، و هذا الأمر سيؤدّي إلى حصول مجاعة شديدة! إن انخفاض درجات الحرارة و تناثر الغبار و الموادّ المحترقة يؤدّي كذلك إلى حجب أشعة الشّمس عن الأرض!

و يعتقد العلماء بأنّ تأثير الحرب النوويّة لن يقلّ شدة في المناطق الأخرى من العالم مقارنة مع المناطق المتحاربة بصورة مباشرة، و أكثر الأضرار ستحدث في الجزء الشمالي من الكرة الأرضيّة مثل سيبيريا و أوروبا و أميركا الشماليّة، و أجريت تجربة حقلية لإثبات حصول مثل هذه العواقب على المحيط بمنطقة تبلغ مساحتها ٨٠ هكتاراً قرب لوس أنجلوس، كما أجري العديد من التجارب المختبرية لإثبات صحّة مثل هذه النّاتج الجديدة. و يشير العلماء المشرفون على هذه الدراسات بأنّ احتراق الوقود يولّد أدخنة سوداء و موادّ متطايرة محترقة كثيفة!

و لعلّ أكثر التّأثيرات شدة على المحيط هو تحطّم المنشآت النّفطية حيث ينتج عنها تطاير موادّ محترقة تغطّي مساحات واسعة و تستمرّ لعدّة أسابيع أو أشهر، و هذا يكفي لحدوث الخريف النووي!



١٥٦- عيّن الصحيح:

- (١) هذه الدراسات التي يقوم بها الباحثون تنبؤات لم تتبين في بونقة الواقع!
- (٢) أول ظاهرة يواجهها الإنسان إثر حدوث الحرب النووية هو المجاعة الشديدة!
- (٣) تواجه المناطق الحارة من الأرض خسارات أقل بالنسبة إلى المناطق الأخرى!
- (٤) كادت تأثيرات الحروب العالمية تكون أشدّ جسامة عند مقارنتها مع ما يجري بعد الحرب النووية!

١٥٧- ما هو السبب الرئيس لموت النباتات؟

- (١) التفجيرات التي تحدث إثر حادثة الحرب النووية!
- (٢) العواصف التي تحول دون إشعاع الشمس فتحببها!
- (٣) ارتفاع درجة الحرارة و عدم قدرة النباتات على التكيف مع بقية المخلوقات!
- (٤) تغيير أشكال هبوب الرياح و أثرها في تغيير البخارات المتصاعدة التي تتحول إلى المطر!

١٥٨- ما هو الخريف النووي؟

- (١) كل ما كاد يحدث بعد الحرب النووية العالمية!
- (٢) الدخانات التي ترتفع إلى الجو و التي تسبب انخفاض الحرارة!
- (٣) تدمير النظام البيئي و الحيوي للأرض إثر التصرفات اللاأخلاقية للإنسان تجاه المكتسبات العلمية!
- (٤) التنبؤات التي ستتحقق في مجال النظام البيئي إثر تفجير قنبلة ذرية و الدخانات التي تتشكل بعد هذا الحادث!

١٥٩- ما هو سبب تغيير صور الحياة على الكرة الأرضية؟

- (١) تقليل درجة الحرارة
- (٢) بروز سخام مكثف في الجو
- (٣) حدوث المجاعة الشديدة
- (٤) إزالة الشمس و احتراق الوقود

١٦٠- عيّن ما لا يحدث إثر وقوع الحرب النووية:

- (١) التصحر و الجفاف و اليبوسة!
- (٢) تقليل درجة الحرارة في البيئة!
- (٣) تشكل السخامات المكثفة في الجو!
- (٤) هبوب العواصف و الثلج و التلوث!